

حال حوزه

اکنون شناسی پایه و اساس هر پیشرفتی است. اکنون ها هم گذشته فرد و جامعه و سازمان را می سازند و هم چگونگی آینده را رقم می زنند. جامعه شناسی دینی می گفت: «توبگو چگونه زندگی می کنی تا من چگونه مردنت را به تو بگویم.» (علی شریعتی) امامان و بزرگان مکتب اهل بیت نیز بر واریسی حال و محاسبه کارهای روزانه سفارش ها کرده اند و اساس کمال و رشد فرد و جامعه را در پایش رفتارهای کنونی هر فرد و جامعه می دانند. رهبر فرزانه و ژرف اندیش مان دو دهه پیش در حکم انتصاب هیأت مدیره دفتر تبلیغات اسلامی، مسئولان جدید دفتر را بر سنجش حال دفتر و پایش اکنون آن، سفارش کردند و بازنگری و دوباره سازی را به نهادها و سازمان های جوشیده از انقلاب توصیه نمودند:

«این دفتر پرتلاش و پرتوان و گسترده دامن در این پانزده سال چون ابر بابرکتی باریده و سود رسانیده است و اینک به تناسب چشم داشتی که از آن هست، ناچار است در سازمان دهی و کارهایی که بر دوش دارد، نگاه دوباره ای بیفکند و خود را برای زمانی باز هم دراز و پربار آماده سازد. این بازنگری و دوباره سازی، کاری ناگزیر است که سازمان ها و نهاد های جوشیده از انقلاب را در راه خدمت گذاری خویش پیش ترمی برد و کامیاب ترمی سازد.» (مجله حوزه، ۳/۶۱) برآیند پیروی از این رهنمود سازماندهی جدید دفتر با رویکرد مسأله محوری و در نتیجه در قالب قطب ها و میزهای اندیشه وری است.

به هر حال بدون شناخت دقیق حال و اکنون هر سازمانی و جامعه ای، نه، می توان به چشم انداز آن دست یافت و نه، در سیاست گذاری ها از اشتباه دور ماند که: «العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس»؛ آن فرد و ملتیی که اکنون خویش را درست بشناسد و حال خویش را پایش کند در فرایند حرکتش به دام اشتباهات گرفتار نگردد.

حوزه های علمیه به ویژه حوزه علمیه قم که خاستگاه انقلاب اسلامی و راهبران آن است، در اکنون شناسی و به روز کردن مأموریت های خویش، سزاوارتر است. حوزه بایست هم حال انقلاب را دیده بانی کند و هم حال خویش را واریسی نماید و خود را برای انجام رسالت جدیدش آماده سازد. حال کنونی روحانیت را بایست پایش کند و چونان پزشکی ماهر و دلسوز به معاینه آن پردازد.

درباره اکنون حوزه ها نوشته ها فراوان است ولی به اکنون حوزه و روحانیت همیشه و در



سردبیر

همه ادوار می‌بایست پرداخت و حال حوزه را در همه حال باید جست که مباد به باده و وادی غفلت گرفتار شود و خویشتن خویش و رسالت تاریخی‌اش را فراموش کند. اصالت خویش را در هیاهوی مشکلات و چهچه قدرت گم کند و رسالتش را در غیاب اصالتش بجوید. حوزه‌های علوم دینی در همه وقت با تکیه بر میراث علمی و معرفتی و حکمی و معنوی و قرآنی و حدیثی، وظایف خویش را سامان دادند و پی گرفتند و با فراز و فرودهایی سربلند برآمدند. وقتی کارکرد تاریخی حوزه‌های علوم دینی را بررسی می‌کنیم می‌بینیم در فراشد پدیداری حرکت و تلاش نستوهانه حوزویان دو میدان برجسته و چشم‌نواز است:

- فهم دین و میراث بانی اصالت و متون دینی؛
- مرزبانی و تلاش برای ظهور دین در جان و جامعه انسانی.

بر بال اجتهاد در منابع دینی میراث بزرگ علمی، معرفتی، فقهی و حکمی حوزه‌ها را پویا کردند و با جهاد و پای‌وری و سخت‌کوشی، باورها و ارزش‌های الهی و اسلامی را گسترده کردند. با آموزش و پرورش دین‌شناسانی خدامدار که هم معارف و آموزه‌های دین و روش اجتهاد را نیک آموختند و هم آگاه به نیازهای عصری مردم و جامعه بودند، مدارس تعلیمی و تربیتی سترگ بنا نهادند. عالمان ربّانی در دوران غیبت امام معصوم (علیه‌السلام) و انسان کامل، نگاهبان و گسترش‌دهنده خط امامت و ولایت نبوی بوده‌اند. آنان همواره رسالتی به گستره ظهور همه دین در زمین را فرادید نهاده و براساس شرایط زمان و مکان، سازوکار مناسب را به‌پا داشته‌اند و برجسته‌ترین نقش در خط مستقیم انتظار فرج را رقم زده‌اند و مردم و جامعه و زمان خویش را برای ظهور امامی که همه دین و ارزش‌های والای الهی و انسانی را بر کره خاکی، حاکم خواهد کرد، آماده کرده‌اند.

ما در عصری هستیم که خداوند بزرگ‌ترین توفیق تاریخی را در استمرار خط امامت و انجام وظیفه انتظار فرج به حوزویان داده است و آن قیام و اقدام مردم برای نمود دین در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری دست‌پروردگان حوزوی با رهبری مرجعی فقیه، عارف، عابد، مدیر و مدبر و زمان‌شناس است. بی‌شک طراوت بخشی و نگاهبانی این نعمت کم‌مانند که در طول تاریخ، آرزوی همه مصلحان دینی بوده، در رأس وظایف روحانیان و حوزه‌های علوم دینی است؛ زیرا پس از تشکیل جامعه اسلامی که نخستین و اساسی‌ترین گام برای ظهور کل دین و تحقق فرج است، نگاهبانی و وظیفه‌مداری

به‌گونه‌ای که نظام در تنگناهای تصّلب بر اصالت‌ها ناکارآمد نگردد و روحانیت هم که نماد و پیشرو خط امامت است، در پای حفظ این دست‌آورد به قربانگاه نرود، راهی است از موی باریک‌تر و از شمشیر برنده‌تر.

در فراشد و پایش مأموریت‌های عصری روحانیان و حوزویان، فوری‌ترین و کنونی‌ترین پرسش، چگونگی انجام وظایف اکنون حوزه‌های علمیه در حفظ نظام و تعامل با جمهوری اسلامی است. پاسخ درست و کنش هوشمندانه به این پرسش است که، آینده روحانیت و مردم و مذهب تشیع را رقم می‌زند.

و انهادن سرنوشت جمهوری اسلامی به مسئولان آن و بی‌تفاوتی نه تنها واپس‌رفتن است و انزوای روحانیت و اسلام امامت که تضييع خون هزاران شهید عاشق اهل بیت (علیهم‌السلام) و عالمان مجاهد و وارسته به شمار می‌رود و از همه مهم‌تر آنکه ترک وظیفه بزرگ حفظ نظام اسلامی را به دنبال می‌آورد.

هم سرنوشت‌کردن حوزه‌ها و روحانیان با جمهوری اسلامی، هم پرخطر است زیرا شکست جمهوری اسلامی کارآمدی دین و جایگاه روحانیت را در ذهن مردم و جامعه درهم خواهد شکست.

در چگونگی برون‌رفت از این مهم، دغدغه‌داران روحانیت و نظام اسلامی و روشنفکران حوزوی، گفته‌هایی دارند؛ برخی به دفاع تمام‌قد و با همه ظرفیت و حیثیت و به تعبیر خودشان این‌همانی را باور دارند و برخی که آبخور فکری آنها جدایی دین از سیاست است کناره‌گرفتن و سکوت در برابر سرنوشت جمهوری اسلامی را به سود دین و روحانیت می‌دانند و گروهی دیگر دفاع از جمهوری اسلامی و حضور در صحنه سیاست با پرهیز از هم‌سرنوشتی و این‌همانی را پیشنهاد درست و دینی می‌شمارند. کانون دغدغه هر سه نگره، پیش‌گیری از واگرایی مردم و دین‌داران از اسلام و نگاه‌داشتن ذهن و دل آنها با عالمان دین و پیش‌گیری از هدر دادن ثمره شیرین جهاد استخوان‌سوز و مستمر عالمان دین است که به گفته بنیان‌گذار جمهوری اسلامی: اگر این دفعه انقلاب اسلامی شکست بخورد اسلام برای سالیان دراز سربلند نخواهد کرد.

نگره سوم تنها راه پیش‌رویمان است که سازمندی‌سازی آن بسیار دشوار می‌نماید؛ چه تدبیری باید کرد که هم حوزه درباره جمهوری اسلامی و سربلندی و کارآمدی آن حساس باشد و بکوشد و هم از آسیب‌ها و ناکامی‌های آن در امان ماند و هم هویت استقلالی حوزه حفظ شود

و هم با تعامل دوسویه این دو نهاد، اهداف هر دو نهاد به پیش رود؟

هویت و هدف اصلی حوزه‌های علوم دینی و عالمان دین مرزبانی و گسترش آموزه‌های دین و ارزش‌ها، اخلاق و احکام الهی و آماده‌سازی مردم در دوران غیبت برای ظهور و حاکمیت همه دین بر جهان است و از این بنا و مبنا باید به توان‌مندسازی جمهوری اسلامی و حفظ نظام بپردازند و حوزه‌ها به‌گونه‌ای بایسته در اجرای این رسالت جلو روند که خودبه‌خود عمایه‌داران قدرت‌مدار در جامعه منزوی و از منزلت فروافتند؛ راه‌هایی را در حفظ نظام پیشه کند که عاملان تبعیض و بی‌عدالتی رسوا گردند و رفتاری را در پیش‌گیرد که شیوه‌های ناشایست قدرت‌مداران سیمای کلان حوزه و روحانیت را بدنما نکند. جالب است وقتی به کارکرد و جایگاه روحانیت در قانون اساسی می‌نگریم همه مسئولیت‌های روحانیت را صیانتی می‌یابیم؛ صیانت دینی و شرعی از جمهوری اسلامی. براین اساس "حوزه علمیه تراز" و "روحانی متعهد" آن است که هم پشتوانه فکری و محتوایی نظام باشد و هم صیانت دینی رفتار حاکمان را برعهده گیرد و هم با دیده‌بانی هوشمندانه و منصفانه از موضع دین درباره کج‌روی‌ها و بدرفتاری‌ها مدیران کشور هشدار دهد.

روحانیت اگر قاعده رفتار و حرکتش را بر مدار خط امامت و رویکرد ظهور دین در همه زمینه‌ها و ارتباطات سازماند کند و رفتارش را بر این مبنا بنیاد نهد و مردم احساس کنند که آنان از پایگاه مسئولیت دینی و حفظ ارزش‌ها و اصالت‌ها با حاکمیت تعامل برقرار می‌کنند، می‌تواند هم به وظیفه مهم حفظ نظام عمل کند و هم از گسست مردم با روحانیت در امان بماند.

حوزه و روحانیت مهد و مام انقلاب است و نسبتش را در عرصه اجتماعی و سیاسی کشور بایست این چنین تعریف کند و هم تلاشش را برای رشد و شکوفایی انقلاب و راست‌روی جمهوری اسلامی به‌کار گیرد. هم او را بنوازد و هم نهیب زند تا جمهوری اسلامی راه درست امامت را بییماید. حوزه باید مناسبات خودش را با جمهوری اسلامی چونان برقرار کند که مردم احساس کنند حضور روحانیت در جمهوری اسلامی برای قدرت نیست؛ رسالت دینی او است تا این انقلاب گسترش پیدا کند و زمینه ظهور همه دین را به دست امام و انسان کامل فراهم سازد.

حوزه و روحانیت بایست از جایگاه پدری دلسوز به نقد مسئولان و رویه‌ها و رفتارهای ناسازمند با ارزش‌های اسلامی آنان بپردازد؛ هم نیازهای فکری و محتوایی دینی

نظام را آماده سازد و هم به رشد و شکوفایی دینی و معنوی جامعه نظر داشته باشد. بی‌شک سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی حوزه‌ها بایست به‌گونه‌ای غنی و فرازمند باشد که دست‌پروردگان و دانش‌آموختگان و عالمانی بپرورد که بتوانند آموزش و پرورش و آموزش عالی را در تربیت مدیران دین‌دار و اخلاق‌مدار یاری رسانند. حوزه باید حرکت و رفتار مسئولان را از موضع مرزبانی دینی دیده‌بانی کند و مسئولان نیز اصل «التَّصِيحَةُ لِأُمَّةٍ الْمُسْلِمِينَ» را پاس دارند. با همه رنجوری امروز مردم از برخی مدیران و مسئولان و کم‌کارآمدی جمهوری اسلامی در توسعه اجتماعی و پیشرفت کشور، روحانیت می‌تواند با ظرفیت‌های موجودی که دارد این گسست را چاره کند.

خوشبختانه مراجع دینی حفظ نظام اسلامی را از اهم واجبات می‌دانند و اصالت فکر و تدبیر رهبری نظام را می‌ستایند. رهبری جمهوری اسلامی هم خط و سیر حرکتش همان اصالت‌های علوی و جعفری است و در موضع دیده‌بانی دورنگر و تیزنگاه، اصالت‌ها را پاس می‌دارد و انحراف از مدار امامت را گوشزد می‌کند.

طلاب و فاضلان دین‌شناس و زمان‌شناس شایسته‌ای که دست‌پرورده حوزه پس از انقلابند نیز دغدغه جدی در مرزبانی از دین و حفظ نظام دارند و از گسست مردم از حکومت و روحانیت دردمندند. اینها همه سرمایه‌های بزرگی است برای برون‌رفت از وضع موجود و تبدیل بدحالی حوزه به خوش‌حوالی و انجام رسالت عصری‌اش.

امروز برادر عزیز و فرزانه‌مان جناب اعرافی، از دست‌پروردگان حوزه و انقلاب و از دغدغه‌مندان حفظ اصالت‌ها و انجام بهینه رسالت‌های حوزه‌ها که خود سالیانی دراز در چگونگی توان‌مندی‌های روحانیت و حوزه‌های علوم دینی اندیشیده و سرافرازی و کارآمدی نظام را درسردارد، کرسی مدیریت خود را بر اصالت‌ها و برای شکوفایی حوزه و ساختن دست‌پرورده‌هایی عالم و زمان‌شناس و آخرت‌مدار نهاده است. ایشان در برنامه مدیریتی خود هم به حفظ میراث فرازمند حوزه‌ها می‌اندیشد و هم برنامه‌هایش را جهان‌نگر و روزآمد تنظیم می‌کند. او در دیدارش با اصحاب قدیم و جدید مجله حوزه از "حال حوزه" گفت و از برنامه‌های آینده‌اش و از نابسامندهایی که بر راه اجرای برنامه‌های اوست. این دیدار را در آغاز شروع دوره جدید فصل‌نامه حوزه به فال نیک می‌گیریم و گفته‌های او را فرادید همه‌آنانی می‌نیمیم که به عزت و سربلندی حوزه‌های علمیه می‌اندیشند.

●